



پژوهشنامه‌ی اقتصاد کلان

علمی- پژوهشی

سال چهاردهم، شماره‌ی ۲۷، نیمه‌ی اول ۱۳۹۸

اثر کیفیت نهادها بر رفاه بین‌نسلی در ایران (رویکردی به الگوی نسل‌های همپوشان)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۰۵

* مولود جعفری طادی

** مرتضی سامتی

*** مصطفی رجبی

چکیده

هدف این مطالعه تحلیل اثر نهادها بر رفاه بین‌نسلی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۷۵-۱۳۹۶ می‌باشد. بدین منظور شش شاخص نهادی ثبات سیاسی و مقابله با خشونت، حق اظهارنظر و پاسخگویی دولت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات نظارتی، حاکمیت قانون و کنترل فساد، معرفی شده توسط بانک جهانی، به عنوان شاخص‌های نهادی در نظر گرفته شدند. به منظور کفایت درجه آزادی، کلیه داده‌ها با استفاده از روش چاو و لین (۱۹۷۶) به داده‌های فصلی تبدیل شد و با استفاده از الگوی نسل‌های همپوشان اثر نهادها بر رفاه بین‌نسلی ایران به روش معادلات به ظاهر نامرتب برآورد گردید. نتایج حاکی از آن است که شاخص‌های نهادی حق اظهارنظر و پاسخگویی دولت و کنترل فساد اثر مثبت و معنادار و حاکمیت قانون و کیفیت مقررات نظارتی اثر منفی و معنادار بر رفاه هر دو نسل جوان و پیر و در نتیجه بر رفاه بین‌نسلی داشته‌اند. شاخص‌های نهادی، اثربخشی دولت و ثبات سیاسی و مقابله با خشونت اثر معناداری بر رفاه هر دو نسل و رفاه بین‌نسلی نداشته‌اند.

واژگان کلیدی: نهادها، حکمرانی دولت، نسل‌های همپوشان، رفاه بین‌نسلی.

طبقه‌بندی: O43 ، H11 ، I31 .

moloudjafari@khuisf.ac.ir

msameti@gmail.com

rajabi@iaukhsh.ac.ir

* دانشجوی دکتری رشته علوم اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

** استاد راهنما، استاد گروه اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، (نویسنده مسئول).

*** استاد مشاور، استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمینی شهر، اصفهان، ایران.

۱- مقدمه

تا اواخر دهه ۹۰ میلادی الگوهای رشد تنها عوامل اقتصادی مانند سرمایه انسانی و فیزیکی، بهره‌وری، جمعیت و غیره را بر رشد اقتصادی مؤثر می‌دانستند، اما از آنجا که این الگوها نتوانستند علت تفاوت درآمد سرانه کشورها را به طور کامل شرح دهند، نظریه‌های جدیدی در ادبیات رشد اقتصادی شکل گرفت که رشد را محدود به عامل‌های اقتصادی نمی‌دانستند. از جمله این نظریه‌ها، اقتصاد نهادگرایی جدید است که عامل نهادی را وارد تحلیل‌های اقتصادی رشد کردند و عواملی مانند نظام سیاسی، رفتار حاکمان، سیاست‌های عمومی، فرهنگ، مذهب و غیره را که در الگوهای پیشین رشد مفروض در نظر گرفته می‌شدند، از عوامل مهم تفاوت عملکرد اقتصادی کشورها معرفی کردند (عیسی زاده و احمدزاده، ۱۳۸۸). نورث^۱، از نهادگرایان برجسته، نهادها را قوانین بازی در جامعه و قیودی وضع شده از جانب بشر می‌داند که روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر را شکل می‌دهند و سبب ساختارمند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادله‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بشری می‌شوند (نورث، ۱۹۹۸). از آنجا که سرمایه‌گذاران از یک اقتصاد سیاسی بی‌ثبات، بوروکراتیک و فاسد با خدمات دولتی ناکارآمد و غیرمتمرکز دوری خواهند کرد، دولت که به لحاظ اجتماعی مسئولیت ارائه خدمات و پاسخگویی به نیازهای شهروندان را بر عهده دارد، باید یک محیط دموکراتیک ایجاد کند که منجر به رشد فراگیر و توسعه انسانی در کشور شود (امارا و چیو^۲، ۲۰۱۶). بسیاری از مطالعات گذشته از قبیل اونز^۳ (۱۹۸۷)، سن^۴ (۱۹۹۹) و کافمن و همکاران^۵ (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که ثبات اقتصادی و سیاسی تأثیر قابل توجهی در رشد، توسعه و رفاه اقتصادی دارد و بهبود شاخص‌های نهادی منجر به افزایش رشد اقتصادی می‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد عملکرد دولت و تأثیر آن بر اقتصاد باید برای ارتقاء سطح رشد، توسعه و سرانجام رفاه اقتصادی تحلیل گردد. به عبارتی نادیده گرفتن شرایط

^۱ - North

^۲ - Emará & Chiu

^۳ - Owens

^۴ - Sen

^۵ - Kaufmann et al

۲۰۵..... اثر کیفیت نهادها بر رفاه بین‌نسلی در ایران

نهادی به معنای نادیده گرفتن واقعیات اقتصادی و جامعه شناختی کشورهاست (خداپرست و همکاران، ۱۳۹۵). از طرفی در هر جامعه‌ای دو نسل جوان (افراد در سن اشتغال) و پیر (افراد در سن بازنشستگی) در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند که از نظر سطوح سرمایه انسانی و توانایی کسب درآمد با یکدیگر متفاوت هستند. رفاه جامعه از مجموع رفاه این دو نسل حاصل می‌شود (رومر^۱، ۲۰۰۶). مطالعه پیش‌رو با ارائه الگوی نسل‌های همپوشان^۲ (OLG)، متناسب با وضعیت اقتصادی ایران، رابطه بین کیفیت نهادها را با رفاه دو نسل جوان و پیر (رفاه بین‌نسلی) بررسی نموده و به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که شاخص‌های کیفیت نهادی در دوره مورد بررسی بر رفاه نسل جوان (نسل پیر) و در نتیجه بر رفاه بین‌نسلی تأثیر معناداری داشته‌اند؟ برای پاسخگویی به سوالات تحقیق الگوی نسل‌های همپوشان با استفاده از روش معادلات به ظاهر نامرتب^۳ (SURE) تخمین زده می‌شود. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از طریق منابع کتابخانه‌ای و سایت‌های اینترنتی بانک مرکزی ایران و بانک جهانی^۴ (WGI) تهیه شده است.

این مقاله در ۶ بخش تدوین شده است. پس از مقدمه، در بخش دوم به بررسی ادبیات موضوع و مبانی نظری پرداخته می‌شود. بخش سوم شامل پیشینه تحقیق است و بخش چهارم به معرفی الگو و داده‌ها می‌پردازد. در بخش پنجم آزمون‌های آماری، برآورد الگو و تحلیل یافته‌ها انجام می‌شود و در بخش ششم نتیجه‌گیری و پیشنهادها سیاست‌گذاری ارائه می‌گردد.

۲- ادبیات موضوع و مبانی نظری

نهادها و عملکرد اقتصادی

کشورهایی که دارای رشد اقتصادی متوسط و یا کند هستند، علاوه بر رشد سرمایه و بهره‌وری کل عوامل تولید، نیاز به ارتقاء و بهبود سایر امکانات جهت افزایش رشد، توسعه و

^۱ -Romer

^۲ - Overlapping-Generations Models

^۳ - Seemingly Unrelated Regression Estimation

^۴ - World Government Index

رفاه اقتصادی دارند (کریپورنساک^۱، ۲۰۱۸). در اقتصادهایی که دولت نقش چشمگیری در آن دارد، نهادهای حاکمیتی بر روند و شاخص‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد و تفاوت‌های عمده درآمدی که در سراسر دنیا مشاهده می‌شود، تا حدود زیادی در ارتباط با تفاوت در کیفیت نهادهای کشورها و سیاست‌های اقتصادی، به علاوه خصوصیات رهبران سیاسی هستند. همین عامل می‌تواند رشد سریع کشورهای آسیای شرقی را از ۱۹۶۰ و رکود و عقب‌ماندگی بیشتر کشورهای صحرای آفریقا را در همان دوره تبیین نماید (اسنودن و وین^۲، ۲۰۰۵). توانمندسازی دولت مفهومی است که به تازگی وارد متون توسعه اقتصادی شده و در مقابل دیدگاه‌های پیشین توسعه، اندازه کوچک یا بزرگ دولت را عامل توسعه نمی‌داند، بلکه معتقد است که توانایی دولت در انجام وظایف محوله نقش مهمی در توسعه و پیشرفت اقتصادی دارد. دولت‌ها می‌توانند با تقویت نهادهایشان، توانمندی خود را بهبود بخشند و این امر مستلزم نهادینه ساختن قوانین و هنجارهایی است که به مقامات دولتی انگیزه می‌دهد مطابق منافع جمع عمل کنند. بنابراین در این مطالعه از میان شاخص‌های متنوع موجود برای نشان دادن کیفیت نهادی، شاخص‌های نهادی حاکمیتی شامل حق اظهارنظر و پاسخگویی^۳، ثبات سیاسی و مقابله با خشونت^۴، اثربخشی دولت^۵، کیفیت مقررات نظارتی^۶، حاکمیت قانون^۷ و کنترل فساد^۸ (بانک جهانی، ۲۰۰۲) استفاده می‌شود. این شاخص‌های نهادی طبق تعریف بانک جهانی شامل سنت‌ها و نهادهایی هستند که به وسیله آن‌ها قدرت به منظور برقراری مصلحت عمومی در یک کشور اعمال شده و در راستای مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی یک کشور برای دستیابی به توسعه صرف می‌شود (وود^۹، ۱۹۹۹).

^۱ - Kraipornsak

^۲ - Snowdon & Vane

^۳ - Voice and Accountability

^۴ - Political stability

^۵ - Government Effectiveness

^۶ - Regulatory Quality

^۷ - Rule of Law

^۸ - Control of Corruption

^۹ - Wood

اثر شاخص‌های نهادی بر رفاه اقتصادی

نتایج مطالعات اقتصاددانان نهادگرای جدید در مورد رابطه بین رشد اقتصادی و نهادهای حاکمیتی (کافمن و همکاران (۲۰۰۵)، ناک و کیفر^۱ (۱۹۹۷)، هال و جونز^۲ (۱۹۹۹)، رودریک^۳ (۱۹۹۷)) دو نظریه در مورد کشورهای در حال توسعه پدید آورده است. اولین نظریه تحت عنوان "حکمرانی دولت تقویت‌کننده رشد اقتصادی"، دولت را دارای نقش حاکمیتی و به عنوان دولت رفاه می‌داند، به طوری که از نظر اقتصادی، عملکرد مناسب بازارها با عملکرد مناسب نهادها از طریق اعمال حاکمیت دولتی کارآمد مرتبط است. بنابراین توسعه نیافتگی و رشد اقتصادی پایین کشورها را می‌توان با شکست دولت در مورد نهادهای حکمرانی که منجر به افزایش فساد، بی‌ثباتی حقوق مالکیت، تحریف بازار و عدم وجود دموکراسی شده و در نهایت به کاهش رفاه جامعه منجر می‌شود، توضیح داد. نظریه دوم تحت عنوان "رشد اقتصادی تقویت‌کننده حکمرانی دولت" که توسط خان^۴ (۲۰۰۴) مطرح شده، مربوط به توانایی دولت در اجرای تحولات اجتماعی و توسعه اقتصادی است. خان مفهوم حکومت را با توجه به ظرفیت دولت‌ها برای ایجاد تغییرات ساختاری در زمینه‌های نهادی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در نظر می‌گیرد و معتقد است بدون ایجاد چنین اصلاحات ساختاری نمی‌توان از رشد اقتصادی طولانی مدت و برقراری رفاه پایدار در جامعه اطمینان حاصل کرد. به عقیده وی قابلیت‌های دولت برای ایجاد اصلاحات در ساختارهای اقتصادی، اولین گام برای بهبود عملکرد اقتصادی کشورهای در حال توسعه است و در مرحله دوم این اصلاحات اجازه می‌دهد تقویت نهادهای حاکمیتی باعث رشد و به دنبال آن افزایش رفاه اقتصادی شود. طبق این نظریه تبدیل کشورهای در حال توسعه به یک سیستم قابل مقایسه با کشورهای توسعه یافته، بدون ایجاد نهادهای کارآمد در رابطه با توزیع قدرت سیاسی در این کشورها نمی‌تواند صورت گیرد (میرا و حمدآچه^۵، ۲۰۱۷).

^۱ - Knack & Keefer

^۲ - Hall & Jones

^۳ - Rodrik

^۴ - Khan

^۵ - Mira & Hammadache

مبانی نظری الگوی نسل‌های همپوشان

الگوی نسل‌های همپوشان با در نظر گرفتن گروه‌های جمعیتی در سنین مختلف، به تجزیه و تحلیل اثرات سیاست‌های اعمال شده در اقتصاد می‌پردازد. این الگوها اولین بار توسط آلایس^۱ (۱۹۴۷)، ساموئلسون^۲ (۱۹۵۸) و دایموند^۳ (۱۹۶۵) و به منظور بررسی نقش پول در بازارهای مالی و اثرات بدهی ملی مطرح شدند. رفتار افراد در طول عمر، تغییرات ایجاد شده در عرضه نیروی کار، میزان پس‌انداز خانوارها که به دنبال تغییر در موقعیت شغلی آن‌ها تغییر می‌کند، و همچنین سطح آگاهی و نیازهای افراد در این الگوها نمایش داده می‌شوند. افراد بر حسب سلاقی، ترجیحات و دارایی‌های خود، درون گروه‌های سنی مشابهی قرار می‌گیرند و تنها تفاوت، بین گروه‌های سنی مشاهده می‌شود که خود ناشی از تفاوت در توانایی دریافتی و یا سطوح سرمایه انسانی افراد می‌باشد. ساده‌ترین حالت، الگوی دو دوره‌ای دایموند است که بر اساس آن هر نسل در دو دوره جوانی و پیری زندگی می‌کند. در هر دوره زمانی یک نسل از جوانان و یک نسل از افراد پیر وجود دارند. در این الگوها طول عمر افراد یک مدت زمان محدود و معین است. نسل‌ها در طول فرآیند با یکدیگر مبادله دارند، اما اقتصاد از عمر نامحدود برخوردار است (رومر^۴، ۲۰۰۶).

۳- پیشینه تحقیق

مروری بر مطالعات خارجی

مطالعه بینای و آتالای^۵ (۲۰۱۹) نشان داد که افزایش کیفیت نهادهای حاکمیتی رشد اقتصادی را در ۱۸۳ کشور تضمین می‌کند، اما توزیع درآمد را بهبود نمی‌بخشد. کارکابا و همکاران^۶ (۲۰۱۷) به ارتباط مثبت بین شاخص مشارکت و پاسخگویی مالی با کیفیت زندگی مردم در اسپانیا دست یافتند. میرا و حمداچه^۷ (۲۰۱۷) نشان دادند که شاخص

^۱ - Allais

^۲ - Samuelson

^۳ - Diamond

^۴ - David Romer

^۵ - Binay & Atalay

^۶ - Carcaba et al

^۷ - Mira & Hammadache

اثر کیفیت نهادها بر رفاه بین‌نسلی در ایران.....۲۰۹

پاسخگویی دولت، کنترل فساد و حاکمیت قانون بر رشد اقتصادی کشورهای عضو منا تأثیر منفی و بر رشد اقتصادی کشورهای امریکای لاتین تأثیر مثبت داشته است، اما شاخص ثبات سیاسی بر رشد هر دو گروه اثر مثبت داشته است. امارا و چيو^۱ (۲۰۱۶) نتیجه گرفتند که شاخص تجميع شده حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی ۹ کشور از کشورهای عضو منا اثر مثبت داشته است. نتایج مطالعه هلیول و همکاران^۲ (۲۰۱۴) نشان می‌دهد مردمی که در کشورهای دارای کیفیت حکمرانی بهتری زندگی می‌کنند، از رفاه اقتصادی بیشتری برخوردارند. باسو^۳ (۲۰۰۴) ارتباط بین شاخص حکمرانی خوب و شاخص رفاه که حاصل تجميع متغیرهایی همچون سطح تحصیلات، زیرساخت‌ها، پیشرفت تکنولوژی، درآمد و .. بود را برای ۱۶ ایالت بزرگ هند بررسی نمود. نتایج نشان داد که اصلاحات اقتصادی و ساز و کار نهادی بهتر، می‌تواند به سطح بالاتر رفاه اقتصادی کمک کند.

مروری بر مطالعات داخلی

مطالعه گوهری و همکاران (۱۳۹۷) برای ۲۴ کشور در حال توسعه نشان داد که در کشورهای صادر کننده نفت میزان اثرپذیری رشد اقتصادی از کیفیت نهادی در سطحی پایین‌تر از کشورهای غیر نفتی قرار دارد. نتایج مطالعه زاینده‌رودی و همکاران (۱۳۹۶)، حاکی از تأثیر منفی شاخص‌های ثبات سیاسی و اثر بخشی دولت بر کاهش نابرابری در کشورهای منتخب جنوب غربی آسیا می‌باشد. نازاریان و همکاران (۱۳۹۵) نشان دادند که کیفیت شاخص‌های حکمرانی خوب در ایران طی سال‌های اخیر کاهش یافته و منجر به افت رفاه اقتصادی و آسیب رسیدن به رابطه بخش خصوصی و بخش دولتی شده است. کریمی و همکاران (۱۳۹۶)، نشان دادند که تمامی شاخص‌های حکمرانی بر رشد و رفاه اقتصادی ایران طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۶۲ تأثیر مثبت داشته‌اند. شاکری و همکاران (۱۳۹۴)، به این نتیجه دست یافتند که در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا کیفیت

^۱ - Emara and Chiu

^۲ - Helliwell et al

^۳ - Basu

بوروکراسی با رشد اقتصادی رابطه مثبت، ثبات سیاسی و کنترل فساد رابطه منفی و اثر بخشی دولت، حق اظهارنظر و حاکمیت قانون رابطه مثبت اما بی‌معنی داشته‌اند. جهانگرد و همکاران (۱۳۹۳) نشان دادند که متغیر اثربخشی و کارایی دولت دارای اثر منفی و کیفیت قانون و کنترل فساد دارای اثر مثبت بر رفاه اقتصادی در ۲۸ کشور صحرای آفریقا بوده است. دانایی فرد و همکاران (۱۳۹۱)، نشان دادند که بهبود مؤلفه‌های حکمرانی خوب در ایران منجر به ارتقای رفاه ملی از جنبه‌های کمی و کیفی می‌شود. مرور مطالعات نشان می‌دهد که توجهی به تفاوت سرمایه انسانی گروه‌های مختلف جامعه و میزان تأثیر این شاخص‌ها بر بهره‌مندی آن‌ها از رفاه نشده است و نوآوری مطالعه حاضر این است که با به کارگیری الگوی نسل‌های همپوشان، تفاوت در سرمایه انسانی افراد یا تفاوت در توانایی کسب درآمدشان، به واسطه تفاوت سنی آن‌ها در نظر گرفته شده است و بدین ترتیب امکان مقایسه بین رفاه افراد در گروه‌های سنی مختلف امکان‌پذیر می‌باشد.

۴- مشخصات الگو و داده‌ها

در این بخش با استفاده از مدل نسل‌های همپوشان و به پیروی از الگوی ساموئلسون (۱۹۵۸) اقتصادی فرضی طراحی می‌شود که در آن دولت از طریق مالیات‌گیری، چاپ پول و فروش نفت به تأمین مالی مخارج خود می‌پردازد. این اقتصاد بخش‌های دولت، خانوار، بخش پولی، بخش خارجی و تولید را شامل می‌شود. زمان گسسته و نرخ رشد جمعیت صفر فرض می‌شود. افراد در دوره جوانی کار می‌کنند و دستمزد دریافت می‌کنند، سپس درآمد خود را پس از پرداخت مالیات، مصرف یا پس‌انداز می‌کنند. هر فرد در دوره پیری از پس‌انداز دوره جوانی خود بهره دریافت می‌کند، و افراد جامعه هیچ ارثی از خود به جای نمی‌گذارند. دولت منابع مالی در اختیار خود را بین هر دو نسل تقسیم می‌کند. بدین ترتیب برای هر بخش روابط زیر تشکیل می‌شود:

بخش اول (دولت) - در این اقتصاد فرضی دولت دارای قید بودجه زیر است:

$$G_t = Y\bar{M}_{t-1} + \tau'_t W_t + \tau_t \cdot r_t S_{t-1} + OR_t \quad (1)$$

۲۱۱.....اثر کیفیت نهادها بر رفاه بین‌نسلی در ایران

در معادله (۱) Y نرخ چاپ پول، G_t مخارج دولت، \bar{M}_t حجم کل پول موجود در اقتصاد، T_t کل درآمد مالیاتی، τ'_t نرخ مالیات بر دستمزد، τ_t نرخ مالیات بر عایدی سرمایه، r_t نرخ بهره و OR_t درآمد حاصل از فروش نفت می‌باشد.

بخش دوم (خانوارها):

الف) خانوارهای جوان که در دوره اول زندگی هستند و افراد زیر سن بازنشستگی را شامل می‌شود، دارای قید بودجه زیر هستند:

$$C_{ty} + S_t = W_t(1 - \tau'_t) + \lambda G_t \quad (۲)$$

ب) خانوارهای پیر که در دوره دوم زندگی هستند و شامل افراد در سن بازنشستگی می‌باشند، نیز با قید زیر مواجه هستند:

$$C_{to} = (1 - \tau_t)r_t S_{t-1} + (1 - \lambda)G_t \quad (۳)$$

در معادله (۲) و (۳) C_{ty} مصرف نسل جوان، C_{to} مصرف نسل پیر، S_t پس‌انداز، W_t دستمزد، τ'_t نرخ مالیات بر دستمزد، τ_t نرخ مالیات بر عایدی سرمایه، r_t نرخ بهره و λ درصدی از مخارج دولت که به صورت پرداخت‌های انتقالی از سوی دولت به خانوارها پرداخت می‌شود، می‌باشد. رفاه نسل‌ها از مطلوبیت ناشی از مصرف کالاها و خدمات حاصل می‌شود.

بخش سوم (بخش خارجی): این بخش شامل واردات و صادرات کشور است که درآمد حاصل از صادرات نفت که بخشی از منابع مالی دولت را تشکیل می‌دهد از سایر موارد صادراتی مجزا شده و وارد الگو می‌شود.

بخش چهارم (تولید): تابع تولید در این الگو به صورت تابع تولید کاب داگلاس^۱ می‌باشد که در آن علاوه بر سرمایه و نیروی کار، شاخص‌های نهادی نیز از عوامل تأثیرگذار بر تولید می‌باشند (گلیسر و همکاران^۲، ۲۰۰۴):

$$Y_t = A \times L_t^{\alpha_2} \times pv_t^{\alpha_3} \times va_t^{\alpha_4} \times ge_t^{\alpha_5} \times rq_t^{\alpha_6} \times rl_t^{\alpha_7} \times cc_t^{\alpha_8}$$

1 - Cobb Douglas Production Function

2 - Glaeser et al

$$\ln Y_t = \ln A + a_1 \ln(K_t) + a_2 \ln(L_t) + a_3 \ln(pv_t) + a_4 \ln(va_t) + a_5 \ln(ge_t) + a_6 \ln(rq_t) + a_7 \ln(rl_t) + a_8 \ln(cc_t) \quad (۴)$$

در معادله‌ی (۴)، A ضریب تکنولوژی، K_t سرمایه، L_t نیروی کار و pvt شاخص نهادی ثبات سیاسی و مقابله با خشونت، va_t حق اظهار نظر و پاسخگویی دولت، ge_t اثربخشی دولت، rqt کیفیت مقررات نظارتی، rl_t حاکمیت قانون و cc_t کنترل فساد می‌باشد. تعادل در بازارهای نیروی کار و سرمایه زمانی ایجاد می‌شود که بازده نهایی نیروی کار با دستمزد و بازده نهایی سرمایه با هزینه اجاره سرمایه برابر باشد. *بخش پنجم (بازار پول)*: در این بازار دولت با توجه به پول چاپ شده در دوره قبلی، در دوره جاری با ضریبی ثابت حجم پول را افزایش می‌دهد. *حل الگو*: تابع رفاه بین‌نسلی که حاصل جمع لگاریتم مصرف نسل جوان و نسل پیر می‌باشد، با توجه به قید بودجه هر نسل، حداکثر می‌شود:

$$\max: u = f(C_{ty}, C_{to}) = \ln C_{ty} + \ln C_{to} \quad (۷)$$

با جای‌گذاری روابط و لگاریتم‌گیری $\ln C_{ty}$ و $\ln C_{to}$ حاصل می‌شود:

$$\ln C_{ty} = \alpha_0 + \alpha_1 \frac{\ln(K_t)}{\ln(L_t)} + \alpha_2 \ln(W_t \cdot \tau'_t) + \alpha_3 \ln(\bar{M}_{t-1}) + \alpha_4 \ln(\tau_t \cdot r_t \cdot S_{t-1}) + \alpha_5 \ln(OR_t) + \alpha_6 \ln(S_t) + \alpha_7 \ln(pv_t) + \alpha_8 \ln(va_t) + \alpha_9 \ln(rl_t) + \alpha_{10} \ln(rq_t) + \alpha_{11} \ln(ge_t) + \alpha_{12} \ln(cc_t) + \varepsilon_1 \quad (۸)$$

$$\ln C_{to} = \beta_0 + \beta_1 \frac{\ln K_t}{\ln L_t} + \beta_2 \ln(S_{t-1}) + \beta_3 \ln(\tau_t \cdot r_t \cdot S_{t-1}) + \beta_4 \ln \bar{M}_{t-1} + \beta_5 \ln(W_t \cdot \tau'_t) + \beta_6 \ln(OR_t) + \beta_7 \ln(pv_t) + \beta_8 \ln(va_t) + \beta_9 \ln(rl_t) + \beta_{10} \ln(rq_t) + \beta_{11} \ln(ge_t) + \beta_{12} \ln(cc_t) + \varepsilon_2 \quad (۹)$$

در معادلات (۸) و (۹)، $W_t \cdot \tau'_t$ درآمد مالیات بر دستمزد و $\tau_t \cdot r_t \cdot S_{t-1}$ درآمد مالیات بر عایدی سرمایه است که پس از این با نماد tW_t و tK_t نمایش داده می‌شوند. بر اساس تئوری‌های اقتصادی افزایش سرمایه سرانه منجر به افزایش تولید، اشتغال و درآمد افراد شده، مصرف و رفاه را افزایش خواهد داد (شهرکی و همکاران، ۱۳۸۹). افزایش مالیات منجر به کاهش درآمد قابل تصرف و کاهش مصرف خواهد شد (صامتی و

۲۱۳.....اثر کیفیت نهادها بر رفاه بین‌نسلی در ایران

همکاران، ۱۳۹۴). حجم پول (نقدینگی) از چند کانال می‌تواند مصرف را تحت تأثیر قرار دهد. کاهش محدودیت‌های نقدینگی منجر به افزایش مصرف در بخش خصوصی می‌شود و اعطای تسهیلات بانکی محدودیت نقدینگی در دست خانوارها را کاهش می‌دهد. تغییرات حجم پول می‌تواند از کانال بهره حاصل از آن نیز بر مصرف خانوارها موثر باشد (مولایی و علی، ۱۳۹۷). برای نسل جوان افزایش مصرف دوره جاری منجر به کاهش درآمد قابل تصرف و کاهش مصرف خواهد شد، اما افزایش پس‌انداز دوره قبل برای نسل پیر مصرف را افزایش می‌دهد، زیرا یکی از منابع درآمدی نسل پیر می‌باشد (فرامرزی و همکاران، ۱۳۹۲). در کشورهای صادرکننده نفت که در آن تصدی‌گری دولت بیش از حد است، افزایش قیمت و درآمد نفت به عنوان مهمترین منبع تامین ارز برای نیازهای مصرفی و سرمایه‌ای کشور می‌باشد، بنابراین می‌تواند انتظارات خانوارها را به سمت پیش‌بینی افزایش سرمایه‌گذاری، رونق اقتصادی و درآمد در آینده و به دنبال آن افزایش تقاضای مصرفی سوق دهد (مولایی و علی، ۱۳۹۷).

در این مطالعه داده‌های مربوط به مصرف نسل جوان (نسل پیر) برابر با حاصلضرب مخارج مصرفی بخش خصوصی در جمعیت فعال (بازنشسته) تقسیم بر جمعیت کل جامعه می‌باشد. نیروی کار برابر با جمعیت فعال، سرمایه سرانه برابر با موجودی سرمایه خالص تقسیم بر تعداد نیروی کار، درآمد مالیات بر دستمزد برابر با درآمد دولت از محل مالیات بر درآمد، درآمد مالیات بر سرمایه برابر با درآمد دولت از محل مالیات بر ثروت، حجم پول برابر با نقدینگی، درآمد نفت برابر با درآمد دولت از محل فروش نفت و پس‌انداز برابر با مجموع سپرده‌های افراد نزد بانک‌ها می‌باشد. داده‌های تمامی این متغیرها به قیمت ثابت سال پایه ۱۳۸۳ و از سایت بانک مرکزی ایران و داده‌های مربوط به شاخص‌های نهادی از سایت WGI^۱ استخراج شده است.

^۱ - World Governance Indicators

فصلی کردن داده‌ها به روش چاو و لین^۱

داده‌های شاخص‌های نهادی در سایت بانک جهانی تنها برای دوره زمانی ۱۳۷۵-۱۳۹۶ موجود است. به منظور کفایت درجه آزادی در برآورد الگو، کلیه داده‌ها به روش چاو و لین به داده‌های فصلی تبدیل شده است. بدین منظور مقدار مشاهده شده از یک متغیر با دوره تواتر پایین (سالانه یا LF) با X_t و مقدار مشاهده شده از متغیر با دوره تواتر بالا (فصلی یا HF) با $X_{t,u}$ (u بیانگر فصل است) نشان داده می‌شود. فرض می‌شود یک دوره (t) دارای s زیر دوره است. اگر t سالانه بوده و هدف استحصال داده فصلی باشد، s=۴ است. هدف برآورد $X_{t,u}$ از X_t به ازاء $t=1 \dots T$ و $u=1 \dots S$ می‌باشد. بردار مقادیر LF با X_1 و مقادیر HF با X_h نشان داده می‌شود:

$$X_1 = (x_1 \dots x_t \dots x_T)' \quad \text{و} \quad X_h = (x_{11} \dots x_{ts} \dots x_{Ts})' \quad (10)$$

ماتریس داده‌های LF ($T \times m$) با V_1 و ماتریس ($n \times k$) HF با V_h نشان داده می‌شود. بین مشاهدات سالانه X_t و فصلی $X_{t,u}$ در حالت کلی رابطه زیر برقرار است:

$$X_t = \sum_{u=1}^s c_u x_{t,u} \quad t=1, \dots, T \quad (11)$$

فرض می‌شود که مدل رگرسیون HF به صورت زیر است:

$$X_h = V_h \beta + U_h, \quad E(U_h | V_h) = 0, \quad E(U_h U_h' | V_h) = W_h \quad (12)$$

با ضرب معادله (۱۲) در C مدل رگرسیون LF به دست می‌آید:

$$X_1 = V_1 \beta + U_1, \quad E(U_1 | V_1) = 0, \quad E(U_1 U_1' | V_1) = W_1 \quad (13)$$

چون X_h مشاهده شده نیست، رگرسیون HF را با ضرب C در آن به رگرسیون LF تبدیل کرده و رگرسیون LF با روش GLS تخمین زده می‌شود^۱ (صمدی و همکاران، ۱۳۹۰).

^۱ - Chow & Lin

۵- برآورد الگو و تحلیل یافته‌ها

آزمون مانایی متغیرها

برای اطمینان از مانا بودن متغیرها از آزمون مانایی متغیرهای فصلی هایلبرگ، انگل، گرنجر، یو^۲ (HEGY) استفاده شده است. مطابق با جدول (۱)، نتایج آزمون مانایی^۳ نشان داد که تمامی متغیرها مانا هستند.

جدول (۱) - نتایج آزمون مانایی متغیرها به روش هایلبرگ، انگل، گرنجر، یو (HEGY)

مقادیر بحرانی						
		سطح ۱٪	سطح ۵٪	سطح ۱۰٪		
		-۳/۶۰۰	-۲/۹۴۰	-۲/۶۳۰		
نام متغیر	آماره t	نتیجه آزمون	نام متغیر	آماره t	نتیجه آزمون	
$\ln c_{ty}$	-۳/۳۶۰	مانا در سطح ۵٪	$\ln ge_t$	-۳/۳۳۶	مانا در سطح ۵٪	
$\ln c_{to}$	-۳/۴۹۷	مانا در سطح ۵٪	$\ln tw_t$	-۳/۹۶۵	مانا در سطح ۱٪	
$\ln cc_t$	-۳/۳۷۲	مانا در سطح ۱٪	$\ln tk_t$	-۴/۱۳۵	مانا در سطح ۱٪	
$\ln va_t$	-۳/۸۸۳	مانا در سطح ۱٪	$\ln s_t$	-۳/۷۷۰	مانا در سطح ۱٪	
$\ln rq_t$	-۳/۷۷۲	مانا در سطح ۱٪	$\ln OR_t$	-۳/۷۶۱	مانا در سطح ۱٪	
$\ln rl_t$	-۲/۸۵۶	مانا در سطح ۱۰٪	$\ln(K_t/L_t)$	-۳/۸۷۲	مانا در سطح ۱٪	
$\ln pv_t$	-۳/۸۶۷	مانا در سطح ۱٪	$\ln m_t$	-۳/۸۴۶	مانا در سطح ۱٪	

منبع: یافته‌های تحقیق

آزمون‌های مربوط به جزء خطا در معادلات رفاه نسل‌ها

نتایج آزمون‌های مربوط به جزء خطای معادلات مصرف دو نسل که به روش حداقل مربعات خطا^۴ (OLS) برآورد شده، در جدول (۲) خلاصه شده است:

^۱ - در این مطالعه برای فصلی کردن داده‌ها و برآورد الگوها از نرم‌افزار ایویوز ۹ استفاده شده است.

^۲ - Hylleberg, Engle, Granger, Yoo

^۳ - آزمون مانایی هگی با استفاده از نرم‌افزار استتا ۱۳ انجام شده است.

^۴ - Ordinary Least Squares

جدول (۲) - آزمون‌های مربوط به جزء خطای معادلات رفاه دو نسل

معادله	آزمون	احتمال	آزمون	احتمال
	خودهمبستگی		ناهمسانی واریانس	
رفاه نسل جوان	۱۸۰/۹۵	(۰/۰۰۰)	۲۷۸۸/۵۹	(۰/۰۰۰)
رفاه نسل پیر	۱۴۹/۶۱	(۰/۰۰۰)	۱۲۴۱/۶۱۵	(۰/۰۰۰)

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون‌های خودهمبستگی بروش-پاگان و ناهمسانی واریانس وایت^۱ نشان می‌دهد که در هر دو معادله فرضیه خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس جملات خطا رد نشده است.

نتیجه برآورد الگو

در این مطالعه برای تخمین معادلات مصرف نسل‌ها از روش سیستمی معادلات به ظاهر نامرتب^۲ (SURE) استفاده شده است. این روش در صورت وجود همبستگی همزمان بین جملات خطای معادلات امکان‌پذیر است. هرچه ارتباط همزمان بیشتر باشد، کارایی برآوردهای SURE در مقایسه با OLS بیشتر خواهد بود (صدیقی و همکاران^۳، ۲۰۰۰). برای آزمون وجود همبستگی همزمان در جملات خطا از آماره LM^۴ آزمون بروش-پاگان^۵ (۱۹۸۰)، استفاده می‌شود که دارای توزیع χ^2 بوده و به شکل زیر محاسبه می‌شود:

$$LM = T \sum_{i=2}^M \sum_{j=1}^{i-1} r_{ij}^2 \approx \chi_{\frac{M(M-1)}{2}}^2 \quad (14)$$

در رابطه (۱۴)، T نشان دهنده تعداد مشاهدات و r_{ij} ضریب همبستگی جملات خطای معادله i ام و j ام و M تعداد معادلات در سیستم معادلات می‌باشد. مقدار بحرانی دارای درجه آزادی $\frac{M(M-1)}{2}$ است. در صورت بزرگتر بودن آماره محاسباتی از مقدار بحرانی جدول،

^۱ -white

^۲ - Seemingly Unrelated Regression Estimation

^۳ - Seddighi et al

^۴ - Lagrange Multiplier Test Statistics

^۵ - Breusch and Pagan

۲۱۷..... اثر کیفیت نهادها بر رفاه بین‌نسلی در ایران

فرضیه عدم وجود همبستگی همزمان بین جملات خطا رد می‌شود و می‌توان از روش SURE برای تخمین معادلات استفاده کرد (بروش و پاگان، ۱۹۸۰).

$$LM = 84 \times (0.98^2) = 80.674 > 3.81 \quad (۱۵)$$

طبق رابطه (۱۵) مقدار آماره آزمون LM از مقدار بحرانی جدول بزرگتر می‌باشد. نتیجه تخمین معادلات مصرف به روش معادلات به ظاهر نامرتبط، پس از برطرف کردن ناهمسانی واریانس^۱، به صورت جدول (۳) می‌باشد.

جدول (۳) - نتایج برآورد معادلات مصرف به روش SURE

نماد متغیر	ضرایب معادله	ضرایب معادله	نماد متغیر	ضرایب معادله	ضرایب معادله
	مصرف نسل جوان	مصرف نسل پیر		مصرف نسل جوان	مصرف نسل پیر
α_0, β_0	۲۴/۴۲	۲۱/۸۶	$\ln(pv_t)$	۰/۰۰۱	-۰/۰۴
$\ln(K_t/L_t)$	۰/۴۱	(۲۰/۱۱)*	$\ln(va_t)$	۰/۷۳	(-۱/۲۱)
$\ln(\tau w_t)$	-۰/۱۲	(۵/۲۰)*	$\ln(rt_t)$	(۸/۲۲)*	(۷/۲۸)*
$\ln(\tau k_t)$	-۱/۰۵	(-۰/۴۷)	$\ln(rq_t)$	-۰/۱۹	-۰/۰۸
$\ln(M_{t-1})$	۰/۵۳	(-۱۱/۵۵)*	$\ln(ge_t)$	(-۴/۵۸)*	(-۱/۹۸)**
$\ln(S_t)$	-۰/۰۷	(۱/۹۴)**	$\ln(cc_t)$	۱/۱۳	(۰/۱۱)
$\ln(S_{t-1})$		(-۳/۹۰)*	$\ln(OR_t)$	۰/۱۶	(۱۱/۵۴)*
					۰/۰۸

^۱ - به منظور برطرف شدن ناهمسانی واریانس معادلات به ظاهر نامرتبط با استفاده از گزینه هیوبرت - وایت (Huber-white) تخمین زده شد.

*(۲/۶۴)		*(۴/۵۶)		(۰/۸۰)		-	
۰/۹۹۲		۰/۹۹۳		۰/۹۹۳		۰/۹۹۴	
		R^2				R^2	

*, **, و *** به ترتیب بیانگر معنی دار بودن متغیر در سطح ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ است.

مقادیر درون پرانتز بیانگر آماره t-student ضرایب برآوردی می باشد.

منبع: یافته‌های تحقیق

مطابق با جدول (۳) نتایج برآورد ضرایب معادله مصرف نسل‌ها به روش معادلات به ظاهر نامرتب برای دوره ۱: ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۶ نشان می‌دهد که متغیرهای لگاریتمی سرمایه سرانه، حجم پول دوره قبل و درآمد نفت اثر مثبت و معنادار و درآمد مالیات بر سرمایه اثر منفی و معنادار بر رفاه هر دو نسل و در نتیجه بر رفاه بین‌نسلی داشته‌اند. مالیات بر دستمزد نیز اثر منفی ولی بی‌معنا بر رفاه هر دو نسل (رفاه بین‌نسلی) داشته است. پس‌انداز دوره جاری اثر منفی و معنادار بر رفاه نسل جوان داشته است و پس‌انداز دوره قبل اثری هرچند مثبت اما بی‌معنا بر رفاه نسل پیر داشته است. علامت ضرایب به‌دست آمده در مورد متغیرهای ذکر شده با مبانی نظری مطابقت دارد. شاخص‌های نهادی حق اظهارنظر و پاسخگویی دولت و کنترل فساد اثر مثبت و معنادار، کیفیت مقررات نظارتی و حاکمیت قانون اثر منفی و معنادار بر رفاه هر دو نسل و در نتیجه بر رفاه بین‌نسلی داشته‌اند. شاخص‌های نهادی اثربخشی دولت و ثبات سیاسی و مقابله با خشونت نیز اثر معناداری بر رفاه نسل‌ها (رفاه بین‌نسلی) نداشته‌اند.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاست‌گذاری

در این مطالعه با توجه به نظریات نهادگرایان، به بررسی اثر کیفیت نهادها بر رفاه بین‌نسلی پرداخته شد. نتایج حاکی از آن است که نظریه نهادگرایان در مورد اثر مثبت نهادها بر رفاه اقتصادی در این پژوهش با مثبت بودن اثر دو شاخص حق اظهارنظر و پاسخگو بودن دولت و کنترل فساد، تأیید می‌گردد. از آنجا که نسل جوان اقدام به پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و تولید می‌نماید و مالیات دهنده نیز می‌باشد، تأثیرگذاری کنترل فساد به لحاظ شفافیت ایجاد شده

بیشتر از نسل پیر می‌باشد ($1/02 > 1/13$). در ارتباط با پاسخگو بودن دولت نیز این تأثیر به لحاظ ویژگی نسل جوان که از حاصل کار خود مالیات می‌پردازد و از طرفی مصرف امروز خود را به امید مصرف در آینده به تعویق می‌اندازد و در نتیجه انتظار حمایت بیشتری از سوی دولت دارد، نسبت به نسل پیر بیشتر است ($0/60 > 0/73$). شاخص حاکمیت قانون بر رفاه همه نسل‌ها اثر منفی داشته است، به ویژه اثر منفی بزرگتری بر نسل تولیدکننده و کارآفرین که نتایج نیز آن را تأیید می‌نماید ($0/66 > 0/76$). کیفیت مقررات نظارتی اثر منفی را بر رفاه نسل‌ها (بین‌نسلی) نشان می‌دهد، که نتیجه بارز عدم حاکمیت قانون می‌باشد و مشخصاً اثر بیشتری بر رفاه نسل جوان داشته است ($0/08 > 0/19$). این دو شاخص زمینه فعالیت بخش خصوصی را در فضای اقتصادی فراهم می‌سازند. منفی بودن اثر این دو شاخص بر رفاه بین‌نسلی باعث شده که قشر جوان به عنوان عامل تولید که بایستی فرصت‌های جدید تولید را ایجاد و زمینه‌های رفاه خود و جامعه (نسل پیر) و نسل آینده را به‌وجود آورد، به دلیل عدم ثبات در تصمیم‌گیری‌ها توسط سیاست‌گذاران، تنش بین گروه‌های سیاسی که به دنبال منافع گروهی خود و نه جامعه هستند، نتواند اقدام به فعالیت، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و نهایتاً تولید نموده و رفاه همه نسل‌ها کاهش یابد. از طرفی عدم ثبات سیاسی و درگیری بین گروه‌های رقیب سیاسی به هنگام تشکیل دولت، باعث عدم اثربخشی آن شده و منجر به ایجاد فعالیت‌های رانت‌جویانه می‌شود. عدم وجود یک دولت کارآمد، تخصیص منابع را به طرز وسیعی به سمت و سوی گروه‌های رانت‌طلب هدایت نموده و انگیزه‌های تولید و افزایش ثروت توسط دیگر گروه‌ها که خواهان تولید می‌باشند را به شدت کاهش می‌دهد. حاکمیت قانون می‌تواند بستر فعالیت اقتصادی را به گونه‌ای فراهم نماید که گروه‌های مختلف جامعه با اطمینان از حمایت قانون و نگرش یکسان به همه آن‌ها، اقدام به تلاش و فعالیت نموده و رفاه خود و نهایتاً جامعه را افزایش دهند. گرچه می‌توان گفت که بر اساس نظریه‌ای دور زدن قانون و لذا بی‌قانونی، به خصوص در کشورهای در حال توسعه، شرایط ایجاد کسب و کار جدید را آسان‌تر می‌نماید ولی در بلندمدت کاهش تولید و رفاه جامعه نتیجه عینی آن خواهد بود. براساس نتایج این مطالعه، برای افزایش رفاه

اقتصادی در ایران باید علاوه بر توجه به افزایش سرمایه فیزیکی، اشتغال و سرمایه انسانی، به نحوه حکمرانی نیز توجه شود و برای ایجاد شرایط و بسترهای مناسب جهت بهبود آن تلاش شود. بدین منظور به انجام اصلاحات اساسی در ساختارهای نهادی کشور نیاز است. سیستم سیاسی در انجام این‌گونه اصلاحات نقشی اساسی ایفا می‌کند و در صورت حمایت نظام سیاسی، انجام اصلاحات اقتصادی و اجتماعی با سهولت بیشتری انجام می‌شود، بنابراین اصلاحات سیاسی شامل تطابق بین ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور، برقراری آزادی بیان، ایجاد سیستم قضایی سالم و پاسخگو و مسئولیت پذیر نمودن سیاسیون از طریق تنظیم و اجرای قوانین سخت‌گیرانه در مواجهه با فساد اداری، به حذف یا کاهش فساد رایج و مدیریت ناکارآمد منجر می‌شود. از طرفی بهبود فضای کسب و کار و تأمین امنیت سیاسی و اقتصادی از طریق بهبود کیفیت مقررات و حذف کردن مقررات ناکارآمد و دست و پاگیر در بخش خصوصی، می‌تواند به بهبود وضعیت رفاهی جامعه کمک می‌کند. همچنین برقراری یک سیستم دموکراسی و به کارگیری سیاست‌هایی مناسب با شرایط اقتصادی کشور، ایجاد فرهنگ اعتماد و حس نوع دوستی و روحیه اجتماعی به منظور افزایش افراد جامعه برای همکاری در نظارت و کنترل سیاسیون و سیستم اداری در انجام وظایفشان، در افزایش رفاه عمومی جامعه نقش مهمی را ایفا می‌کند.

فهرست منابع

- Allais, M. (1947). Economics and interests. *Economic Analysis*, 3, 6.
- Basu, S. R. (2004). Economic Growth, Well-Being and Governance under Economic Reforms: Evidence from Indian States. *Graduate institute of international studies*, 1-48.
- Binay, M. & Atalay, N. (2019). Global Governance: Economic Growth and Income Distribution. *Accounting Magazine*. 112, 137 - 158.
- Breusch, T. & Pagan, A. (1980). The LM test and it's applications to model specification in econometrics. *Review of Economic Studies*, 47: 239-254.

Cárcaba, A., Eduardo, G. Ventura .J & Arrondo, R. (2017). How Does Good Governance Relate to Quality of Life? *Sustainability*, 9, 631, 1-16.

Danaeifard, H., Babashahi, J., Azar, A. & Kordnaiej, A. (2012). Transforming National Welfare: Does Good Governance Play an Important Role?, *Management Research in Iran*, 16, 4, 77, 62-45. [In Persian]

Diamond, P. (1965). National debt in a neo-classical growth model. *American Economic Review*, 55, 1126-1150.

Emara, N. & Chiu, I-M.(2016). The Impact of Governance Environment on Economic Growth: The Case of Middle Eastern and North African Countries, *Journal of Economics Library*, vol 3:24-37.

Faramarzi, A. Dallali Isfahani, R. & Samadi, S. (2013). Determining the optimal printing rate for money using the pattern of intergenerational generations (Iran), *Econometrics Journal*, 7, 25, 30-9. [In Persian]

Glaeser, E., La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F. & Schleifer, A. (2004). Do Institutions Cause Growth?, *Journal of Economic Growth* 9: 271–303.

Gohari, L. Karimi Moughari, Z. & Zaroki, Sh. (2018). An Interactive Effect of Institutional Quality and Banking Development on Economic Growth: *The Applied of Financial Combined Indicator*, (5) 16, 183-212. [In Persian]

Helliwell, J., Haifang, H., Shawn, G. & Shun, W. (2014). Good governance and wellbeing, *Research-based policy analysis and commentary from leading economists, VOX CEPR Policy Portal*

Hall R, E., & Jones, C. (1999). Why Do Some Countries Produce So Much More Output Per Worker Than Others?. *Quarterly Journal of Economics*, 114(1), 83-116.

Isa Zadeh, S. & Ahmadzadeh, A. (2009).The study of the effect of institutional factors on economic growth with emphasis on sovereign

institutions (case study of the country for the period 1996-2005). *Iranian Journal of Economic Research*, (13)40,1-28. [In Persian]

Jahangard, F. Mohammadi, T., Shirmard, R. & Shahbazi, M. (2014). Investigating the Effect of Good Governance on Economic Welfare (Case Study of some Sub-Saharan African Countries). *First Conference on Economics and Management with National Approach*, Babolsar, Taroud North Research Company. [In Persian]

Karimi, M., Heydarian, M., & Dourbash, M. (2017). Investigating the Relationship and Effect of Good Governance Indicators on Economic Growth in Iran, with Vector Error Correction Approach. *Sociology of Economics and Development*, vol 6: 127-155. [In Persian]

Khan, M., (2004). State Failure in Developing Countries and Strategies of Institutional Reform, pp. 165-195.

Kraipornsak, P. (2018). Good Governance And Economic Growth: An Investigation of Thailand And Selected Asian Countries. *Eurasian Journal of Economics and Finance*, 6(1), 93-106.

Kaufmann, D, Kraay. A , & Lob. P. (2005). Governance Matters IV: Governance Indicators for 1996-2004, *World Bank*.

Knack, S, & Keefer, P. (1997) .Institutions and Economic Performance: Cross-Country Tests Using Alternative Institutional Measures,. pp.207-227.

Khodaparast, M., Fallahi, M. A., Rajabzadeh, N., Moghani & Mashhadi, M. (2016). Investigating the Role of Institutional Quality on Financial Development in Selected States of the Organization of the Islamic Conference. *Two Quarterly Journal of Monetary Economics, Finance (Existing Knowledge and Development)*, 11, 26-45. [In Persian]

Liu, j., Tang, J., Bo. Zhou & Zhi, J. (2018) .The Effect of Governance Quality on Economic Growth: Based on China's Provincial Panel Data. *Economies*, 6, 56, 1-23.

Mira, R., Hammadache, A. (2017). Good Governance and Economic Growth: A Contribution to the Institutional Debate about State Failure in Middle East and North Africa, *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies*, vol 11: 107-120.

Molaei, M., Oda, A. (2018). The Effect of Economic Shocks on Household Consumption in Iran: *The Time Series Breakdown Approach*. 53, 4 .941-970. [In Persian]

Nazarian, S.M.W., Shahin, M. & Nazari, M. A. (2016). Good Governance in Iran and Influencing Advertising Quality, *First National Research Conference, University Of Science And Technology*, 1-24. [In Persian]

North, D. C. (1998). Institutions, institutional changes and economic performance. Translated by Mohammad Reza Moeini, *Tehran, Planning and Budget Organization*.

Owens, E. (1987). *The Future of Freedom in the Developing World*.

Rodrik, D. (1999). Democracies pay higher wages, *Quarterly Journal of Economics*, 114 (3), 707-738.

Romer, David .(2006). Infinite-Horizon and Overlapping-Generations Models. *Advanced Macroeconomics*. New York: McGraw Hill. 47-97.

Sameti.M, & Amiri.H, Izadi.S.(2015). Effect of Optimal Indirect Tax Rates on Social Welfare in Iran. *Quarterly Journal of Economic Research (Sustainable Development and Development)*. 51-73. [In Persian]

Samadi, S, Vaez, M. & Ghasemi, M. R. (2011). Seasoning time series (case study of government oil revenues, consumer price index and liquidity). *Two Quarterly Journal of Monetary, Financial*. 18. 2. 1-24. [In Persian]

Samuelson, P. A. (1958). An exact consumption-loan model of interest with or without the social contrivance of money, *Journal of political economy*, Vol 66:467-482.

Seddighi, H. R., Lawler, K. A., & Katos, A. V. (2000). Econometrics: A practical Approach. *Canada: Rutledge Press*.

Sen. A.(1999). Development as Freedom. *Alfred Knopf Publisher* .

Shahraki, M., Behbodi, D. & Qaderi, S. (2010). Investigation of the Impact of Household Savings on Investment and Consumption in Iran (Computable General Equilibrium Model), *Quantitative Economics Quarterly*, 7 (3): 94-67. [In Persian]

Snowdon, B. & Vane, H. R. (2005). Modern Macroeconomics: Its Origins, Development and current State. *UK, Northampton, MA: E. Elgar, c2005*.

Shakeri.M, Jafari Samimi.A ,& Karimi Moughari.Z. (2015). The Relationship between Institutional Variables and Economic Growth: Introducing a New Institutional Measure for Middle East and North Africa (MENA).*Economic Growth and Development Studies*, 21, 93-106. [In Persian]

World Bank. (2002). Governance Matters II: Updated Indicators for 2000–01, *Policy Research Working Paper 2772*, Washington.

Wood, A. (1999). Demystifying «Good Governance»: An overview of World Bank Governance Reforms and Conditions. *Trocaire*:1-42.

Zayandeh Roody, M., Khosrowabadi, M. & Shakibae, A. (2017) .The Effect of Good Governance Indicators on Income Distribution by Utilization Data panel (Case study: Southeast Asian countries). *Quarterly Journal of Economic Research (Sustainable Growth and Development)*. (17)3, 25-52.[In Persian]